مجموعه تصانیف و سرودهای میهنی

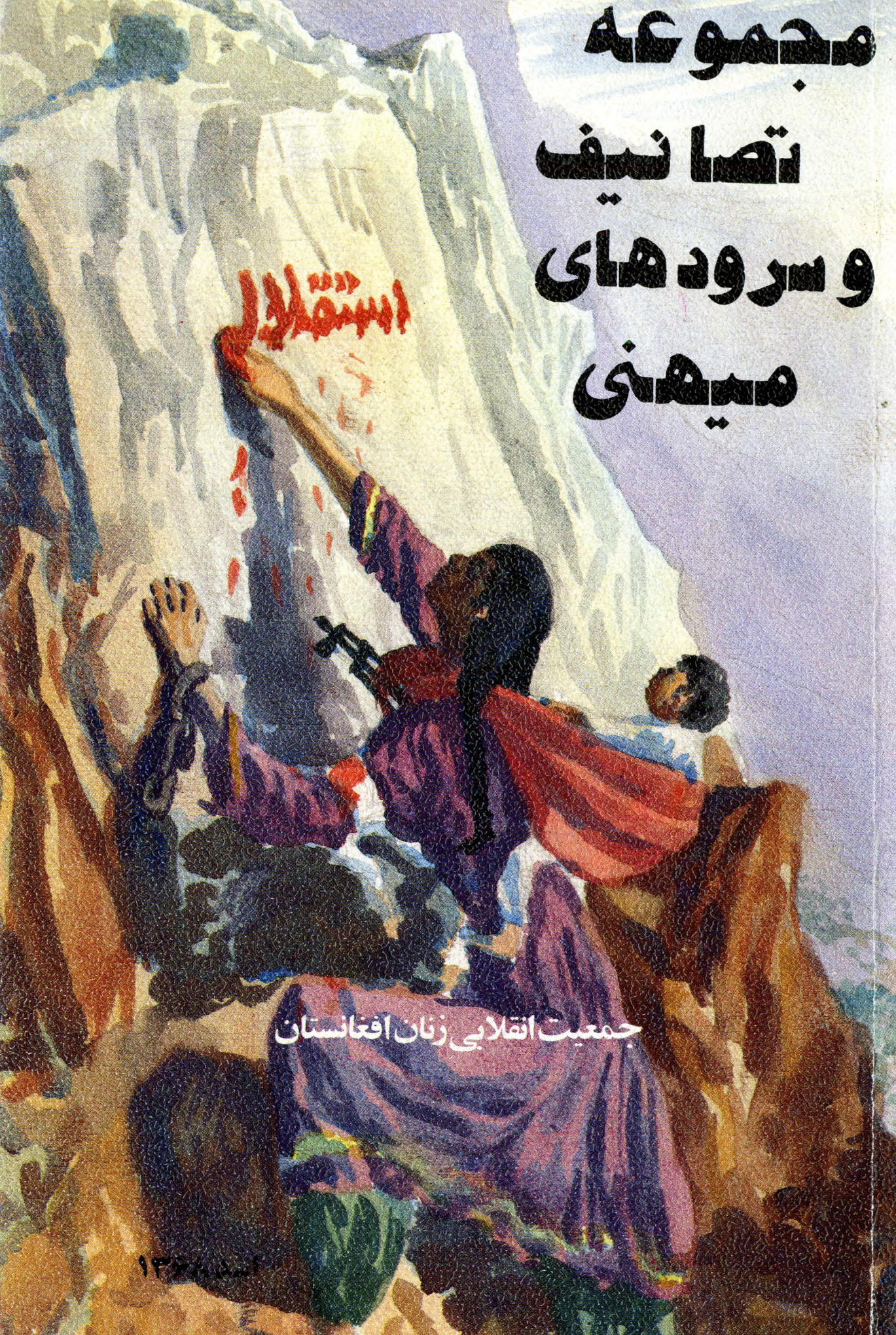

جمعیت انقلابی زنان افغانستان

اسد ۱۳۶۰

به مبنای بـــــزرگ ، بنیانگـــذار شهید
جمعیت انقلابی زنان افغانستان ، رهبـــــر
بزرگـــی کـــه دوستدار سرود هـــای مبهـــی
بود و در پیشبـــرد امـــر انقـــلاب رهایبخش
تا به سرودهای انقلابـــــی آرخ بـــزرگـــی
می نهـــاد .

جمعیت انقلابی زنان افغانستان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

مقدمه

در بیشتر از ده سال جنگ مقاومت ملت ما هنر و ادبیات توده‌ای ما همچون لاله های سرخ کوه و دشت میهن رنگ خون بخود گرفته و در لابلای آن فریاد رنج ، آوارگی ، مقاومت و مبارزه بلند است .

تصنیف هاییکه درین مجموعه گنجانیده شده و اکثرا در قالب آهنگ های محلی مردم ما خوانده میشوند ، نیز همه نمایانگر آلام و مقاومت دلیرانه‌ی ملت ماست . این سرودها و ترانه ها بسان تیرهایی بر قلب تجاوزکاران روسی ، چاکران آنان و بنیادگرایان تروریست مهدوف بوده و مانند سرودهای حماسی و تاریخی دیگر مردم ما سالهای سال زمزمه خواهند شد .

" جمعیت انقلابی زنان افغانستان " که خود از درفش بدوشان مبارزه برای استقلال ، دموکراسی و

عدالت اجتماعی بوده و بیهراس از تهدید، ترور و مرگ ، آذرخشوار به پیش میرود، با جمعاوری و تقدیم این مجموعه به هموطنان آزادیخواه ما آرزو میکند تا اینك پس از اخراج متجاوزان روسی از کشور بدست ملت قهرمـان ما ، شب تیره‌ی ناشی از وجود دست نشاندگان و بنیادگرایان هار ، نیز در خاك گلگون ما پایان یافته و این تصنیف ها در فردای رهابی و وارستگی افغانستان به جان برابر ما بر زبان مردم کبیر ما با شور و شادی جاری باشد ۰

فهـرست

نام سرود	صفحه
۱ ــ سرود زن	۱
۲ ــ فریاد مادر	۳
۳ ــ میهن	۵
۴ ــ ای وطنه زما ځانه	۷
۵ ــ مام میهن	۹
۶ ــ میروم از شهر تان	۱۱
۷ ــ ندای زن	۱۲
۸ ــ بپا خیز	۱۴
۹ ــ وطن گرفتار اس	۱۶
۱۰ ــ سنگر کی څنگه ښکارو	۱۹
۱۱ ــ ارمانه زما	۲۰
۱۲ ــ آستا برو	۲۱
۱۳ ــ ترانه وطن	۲۵
۱۴ ــ خون	۲۷
۱۵ ــ آشیان ما	۲۹
۱۶ ــ همای زخمی	۳۰
۱۷ ــ او وطن جان	۳۱

نام سرود	صفحه

۱۸ ــ د جبهی انتظار ۳۳
۱۹ ــ بیا که بریم به مزار ۳۴
۲۰ ــ مهاجر ته خطاب ۳۶
۲۱ ــ د وطن ترانه ۳۸
۲۲ ــ سنگر برویم ۴۰
۲۳ ــ هرات خونین ۴۲
۲۴ ــ دختر کابل ۴۴
۲۵ ــ بیا وطن ته خیږی ۴۷
۲۶ ــ سر تیری مجاهد ۴۹
۲۷ ــ لیلای میهن ۵۰
۲۸ ــ آهنگ محلی ۵۲
۲۹ ــ حق میهن ۵۴
۳۰ ــ د وطن جنگ ۵۶
۳۱ ــ گل سیب ۵۷
۳۲ ــ جنگیالی پیغلی ۵۹
۳۳ ــ سرود مکتب ۶۰
۳۴ ــ وطن آزاد میشی ۶۲
۳۵ ــ وطنه ځان وطنه ۶۴
۳۶ ــ برخیز توفان توستی ۶۵
۳۷ ــ د وطن په لار ځمه ۶۷
۳۸ ــ دخت افغان ۶۹
۳۹ ــ به فردای وطن زندان نمانه ۷۱
۴۰ ــ ورك به د روس نوم کو ۷۴
۴۱ ــ بم دی ورویته روسان ۷۵

نام سرود	صفحه

۴۲ ــ وطنداران بخیزیم تا بجنگیم ۷۶
۴۳ ــ مرچلی ځوانان ۷۸
۴۴ ــ د قربانی ځای ۷۹
۴۵ ــ ګډ توفان ۸۰
۴۶ ــ راه شهیدان ۸۲
۴۷ ــ بیا بریم افغانستان ۸۳
۴۸ ــ قسم ۸۴
۴۹ ــ مرغ آزادی ۸۵
۵۰ ــ د وطن لار ۸۶
۵۱ ــ چانته می دوزم ۸۷
۵۲ ــ خاك وطنم ۸۹
۵۳ ــ ای یار دلاور ۹۱
۵۴ ــ همت والی پیغلی ۹۴
۵۵ ــ جانانه ککم ۹۵
۵۶ ــ جبههای ځوان ۹۶
۵۷ ــ عسکر روس ۹۷
۵۸ ــ هدیه ۹۸
۵۹ ــ افغانستان من ۹۹
۶۰ ــ خانه وفا ۱۰۰
۶۱ ــ دوه لاری ۱۰۱
۶۲ ــ وطن ۱۰۲
۶۳ ــ سره د اور لمبه ۱۰۴
۶۴ ــ د آزادی نښه ۱۰۵
۶۵ ــ شهید عاشق ۱۰۷

سرودی از شاگردان مکتب وطن

سـرود زن

مابخون و استخوان خـود
مابدست و پاوجان خـود
مابجسـم خود روان خـود
به لب جبین و دیدگان خود
ترا ازدسـت روسها نجات میدهیم
وطن ترا به مرگ خود حیات میدهیم
وطـن ترا به روسها نمیدهیم
جان خویش میدهیم ترانمیدهیم

زنیم دست خود نبسته ایـم
کنون بسنگرت نشسته ایـم
بندپای خود گسـسته ایم
زظلمت زمانه رستـه ایم
تمام هسـت و بـود مافدای تـو
جان مافـدای آن وفـای تـو
وطن ترا به روسها نمیدهیـم
جان خویش میدهیم ترانمیدهیم

براه تو شهید داده ایـم
زدامنت دلـیر زاده ایم
بخون رهت گشـاده ایم
سربپای تو نـهاده ایم

سینه‌های روسها را به پنجه میدریم
مرگ درره ترا به افتخار میخریم
وطن ترا به روسها نمیدهیم
جان خویش میدهیم ترا نمیدهیم

قلب داغ آسیا تپید
صبح میهن از افق دمید
لشکر زنان زره رسید
خون به پیکر ملت دوید
بازنوکران روس را بگورمیکشیم
بازدست روس را بریده دور میکنیم
وطن ترا به روسها نمیدهیم
جان خویش میدهیم ترا نمیدهیم

دشت و دره و فلات تو
مردتوزنان با ثبات تو
نبرد در ره حیات تو
مجاهد ره نجات تو
زنده باد زنده باد زنده باد
روس مرده باد نوکران اومرده باد
بریژنف مرده باد سگان اومرده‌باد
وطن ترا بمرگ خود حیات میدهیم
ترا از دست روسها نجات میدهیم
وطن ترا بمرگ خودحیات میدهیم
جان خویش میدهیم ترا نمیدهیم

بد آهنگ :
" ابوا کل من زیبا کل من "

فریاد مادر

پسرجان ، ای شکوه زندگانی
امید خاطر ناشاد مادر !
ترا در نیمه شب ازمن گرفتند
کجایی ؟ گوش کن فریاد مادر !
ترا از پیش من بردند و دانم
که این دزدان فرزندان مردم
در آنجا خون پاکت را بریزند
جدا از سنگر سوزان مردم

* * *

نه، هرگز باورم ناید پسرجان !
که جانت را کنی قربان دشمن
روی در جبهه کشتار ملت
به بی ننگی تو بافرمان دشمن
در آنجا روبروی سنگر خود
تو میبینی هزاران خواهرت را
مکن آتش مرا در خون میفگن
منم آنجامکش تومادرت را

* * *

بگردان میله داغ تفنگت
بسوی سینه روس ستمگر
بکن ثابت برای ملت خود
که هستی راستین فرزند کشور

مـــــن چشم آن دارم که پیچـــد
طنین رزم پر شورت بکهـــــــسار
هـــــــمه پژواك های کوه گویند
کهچون شیـــری تواندرروز پیکار

* * *

ترا پرورده ام با شیر غیـــرت
سروجانت بقربان وطـــن بـــــاد
بکن در پیش ملت سرفـــــرازم
بهرزمخود، فدایت جان من باد !

پـــسرجان ! در صف مردم بپیوند
بضد روس، سرباز وطـــــن بـــاش
بجنگ و کشـــورت را ســـاز آزاد
عـــــزیزملت و فرزند من بـــاش

* * *

میهن

ای خاك به سینه ات بهاران آریم
از خون بسردشت تو باران آریم
تا روس زخاك خویش جاروب بکنیم
در هرقدمت قیام و توفان آریم

* * *

ای عشق بیا هوای دلبر دارم
اندر قدمش دو دیده تر دارم
این دلبرمن میهن خونین من است
قربان وصل او دل و سردارم

* * *

ای عشق وطن خاك چراغان کردی
از خون ملت دشت گلستان کردی
تا پای نهد عروس خونین سحر
راهش همه را فرش شهیدان کردی

* * *

ای یار بیا تاکه به سنگر برویم
بر سینه روسها چو خنجر برویم
قربان کنیم عشق خود اندرره خاك
باپای گهی بادل و با سر برویم

* * *

ای آنکه بر دشمنت شبیخون کردی
جوی ها زخون خود چوجیحون کردی

برخیز چه مانده است که‌برپانشویم
بـنگر که همـــه وطن پر خون کردی

* * *

ای خاك بهار رفـته ات بـاز آیـد
در مـاتم تو ســـرود و آواز آیـد
گربوم سیـــاه روس در اینجا آمـد
شـــاهین رهابی ات بـــه‌پرواز آیـد

* * *

د " ستا دسترکو بلا واخلم بیا ... "
بد آهنگ

ای وطنه زما ځانه

ای وطنه زما ځـــــــانه
زما روح زما ایـمانـــــه
پهتیاروکی ډوب بی جارشم
ای نامی افغانستـــــانه

څنگه زار څنگه ویجار شوی
ددښـــــــمن په غورځنگونو
په خپل سرو وینو دی رنگ شوی
پـــه ظلمـونـــو پـــه جنگونو
په بمونه درتـــــه جور شو
آبادی دی کړ نـــــگونـــو
ای وطنه زمـــــا ځانـــه
زما روح زما ایـــــمانه

په هغی مـــور می قســم دی
غلی ناسته ده شهید تـــــه
یادوی بی تیـــریاونـــــه
د چنگیز دلوی یـــرغل نـــه
دانگریز دغـــــلیمانـــــو
په شاتلـــــل ددښمنـــانو
تمبـــــول دنامـــــردانو
ای وطنه زما ځـــــانـــــه
زما روح زما ایـــــمانه

په هغی مـــور می قســم دی
چه توپك ورکوی خُـــوان ته
لاس ترغـــاړی ورســـره شی
مرچل پـــــه جـــگولاری
دمرگی نـــــه نـــه‌داریږی
دغلیمه نـــــه ویـــــریږی
مینان دی عاشـــــــقان دی
په وطـــن او وطنوالـــــو
آزادی پـــه لاری درومـــی
دروسی دښمن په مـــخ کـــی
څوبی ماتی ککـــری کـــړی
دادســـــــولی غلیمانـــو
دا قاتـــل دانـــــسانانو
ای وطنه زمـا خُانـــــــه
زما روح زما ایمانـــــه
زه بی هغی مور روزلـــــی
راروانه پـــــدی لاریـــم
پری به نږدم دغـــــه لاره
نه وبریـــــږم زولـــنونـه
دخُنځیر او دجیـــــلونـــه
ما د تا په لار سر ایښی
ای وطنه زمـــا خُانـــــه
زما روح زمـــــا ایمانه
ترآخره در ســـــره یـــم
ای نامی افغانســـــتانه

بد آهنگ :
" عروس کربد مکن با رفتن خود "

مـــــام میهـــــن

الا ای مـــــام میـــهن مادرمـــــن
فدایت باداصـــــدها و ســـر مـــن
الا ای مام میهن

* * *

وطن مینای ما رفـــته به راهـــت
فـــــدا کـــرده سرو جانـــش برایـــت
الا ای مام میهن

نمیره هرگـــز از یـــــادم صدایش
که میگفت زنـــدگیم میهن فدایت
الا ای مام میهن

الا ای مـــام میـــهن مـــــادر من
فدایت بـــادا صـــد ها و ســـر مـــن
الا ای مام میهن

* * *

مینا خواهر چرا رفتی تو ازمـــا
جدا گشتـــی درین روزهای تنهـــا
الا ای مام میهن

ترا بخشد وطن با چشم پر خـــــون
می بیند سوی ما و ســوی فـــــردا
الا ای مام میهن

الا ای مام میهن مادرمن
فدایت بادا صد هاو سر من
الا ای مام میهن

* * *

سمأ و عبدل ولاله کجاشد
گل نورسته از ریشه جدا شد
الا ای مام میهن

مینا خواهر مجو آن غنچه هایت
گلی از شاخه در آتش رهاشد
الا ای مام میهن

الا ای مام میهن مادر من
فدایت بادا صدها و سر من
الا ای مام میهن

* * *

مینا خواهر فدا کردی تو جانت
کی دارد حشمت و جاه و جلالت
الا ای مام میهن

"جمعیت" افتخار دارد به نامت
مبارك باد میگویم مقامت
الا ای مام میهن

* * *

به آهنگ :
" عاشقت ای گلرخان ... "

میروم از شهر تان

ای دوستان ، دوستان زین مُلـــــک آبـــاد
میخواهم رفتن به ملکم، ملکم شد برباد

وطن خـــانـــه دشمنـــا شـــــــد
ببیـــــن چه جور و کشـــتنـــها شد
میـــروم تا بنگرم وطـــــنم آزاد

خـــانه ما روسها خراب کـــــــرد
ز خونم جامش پر شـــراب کـــــــرد
بیا که رویـــم سر دهیم بر ضدش جـــهاد

بیا رویم به جنگ مثل ر ستـــــم
اگر کشته شـــدیـــم یـــارستـــــم
بهر وطن جان دهیم مانند فرهـــاد

زمین و خاکم در آتـــــش سوخـــت
بر شهید هاکس کـــــفن نـــدوخـــــت
رویم به انتقامش روس کنیم بربـــاد

ملتـــم همیشـــــــه آزاد اســـت
نـــمیدانـــــی آخـــر افغـــان است
آزادی آموزد آندم کز مادرش زاد

سرودی از شاگردان مکتب وطن

نـــــدای زن

در خون کشید روس سرتا سر وطن
پامال دشمنان شد مادر وطن
برخیز و رزم کن مثل برادرت
ای دختر وطن

اردوی شوروی اردوی دشمن است
سرخیل جانیان خونریزو رهزن است
آزادی وطن محوستمگران
آزادی زن است

ای مادر وطن ما دختر تو ایم
درجنگ دشمنان ما یاور تو ایم
تا آخرین نفس تا پای جان خویش
در سنگر تو ایم

رنگین زخون خویش سازیم نام زن
آزادی وطن باشد"پیام زن"
هنگام رزم ماست وقت خروش مرد
روز قیام زن

پیکار ما بود میهن برای تو
بستیم عشق خویش مادر وفای تو

تاب و توان مـــا ایـــن جسم و جان ما
بادا فـــــدای تـــو

از خون رفتگـــان ســـــرخ است راه ما
آخر شود سفـــید شـــــام سیاه ما
در عشقت ای وطـــن بس جسم غـــرق خون
باشد گـــواه مـــا

در جسم این وطـــن تا خون زندگـــیست
ما را ستـــیز ورزم قانون زندگیســـت
مرگ پر افـــتخار انـــدرره هـــدف

مضمـــون زندگیـــست

باخون خود وطـــن آزاد می کنـــیم
کاخ بـــریژنـــف بـــرباد میکنیم
ویرانه تـــرا ای مـــرز قهرمان
آبـــاد میکـنیم

به آهنگ :
" از ضعف به هر جا که رسیدیم وطن شد "

بپا خیز

ای ملك بپاخیز که فرزند تو برخاك
باخون و شرف قصه ایمان تو بنوشت
ناموس نگهداشت ولی دست زجان شست
بر خاك پر از خون تو توفان دگر کشت
* * *

ای ملك به آغوش تو امروز چهانیست
بربادبود هستی وناموس وطن وای
گر خاك نیاکان بسپاریم بدشمن
بهتر بود از هستی ما مرگ و کفن وای
* * *

خواهر وطن این سان شده در بنداسارت
آخر تو بگوزندگی تا کی به حقارت
تاکی بنشینیم و بگوئیم به ماچی ؟
در کشور ما آمده سرلشکر غارت
* * *

ای هموطنم، نیستم آنچیز که بودم
شمشیر صفت سینه دشمن بدرانم
پا می نهم از خانه برون تاکه وطن را
آزاد کنم حفظ کنم خاك پدرانم
* * *

مادر دگر ز هستی آسوده چه گویم
تا روس بود مرگ بود وحشت و کشتار

برپابشوای مادر و با تیغ شـــرافـــــت
آزادی و ناموس وطن را تـــــو بـدست آر
* * *
زن هستم و برپاشده ام تاکـــه وطـــن را
ازچنگ کرملیـــــن و دلالان برهـــانـــــم
در دست تفنگ گیـــــــرم و درراه شهیدان
خون دل خوددر رهـــــت ای مـــلك بفشانم
* * *
ای خاك قسم برتو و ایـمان بـــزرگـــــت
تا پاك کنم دامنـــت از پرچمـــی و روس
در راه تو خونـــهای زیـــادی بـــفشانم
از روس سگ و پـــرچمی و خـــلقی منـحوس
* * *

به آهنگ :
" چمن چراغان اس هی هی گلکم "

وطن گرفتار اس

خرا به گشته ملك نـــازنینـــم
وطن گرفتاراس ،وای ، وای دلکـــم
بیـــابنـــگر تـــو رزم آتشینـــم
وطن گرفتار اس، وای ، وای دلکم
آخـــر بینـــدز جـــنگ ملکم دشمن
وطن گرفتار اس ، وای وای دلکم
جـــوهـــر آزادیس زیر نـــگینم
وطن گرفتـــار اس هـــی هی دلکم

زندانی بسیار اس
چـــشمها اشکباراس

* * *

رویم کابل ، کابل جان من سوخته
کابل شرربـــارس هـــی هی گلکم
همه ملك عزیز خلـــــقی فروخته
کابل شرر بار اس ...
خـــداونـــدا مرا یاری رسان تو
کابل شرر بار اس ...
کـــه روس در همه جا آتش افروخته
کابل شرر بار اس ...

جاده ها خونباراس
دلم پرشـــرار اس

* * *

کابل پشتت دلم تنگ اس همیشـــــه
چمن خونباران اس وای وای وطنم
بهیچ چیز جز تو دل راضی نمیشه
چمن خونباران اس ...
اگر شوی به مثـل کـــوه آتش
چمن خونباران اس ...
فرهاد توام و ســـر زیر تیشه
چمن خونباران اس ...

دلم پریشان است ، وای وای وطنم
شکست از روسان اس جان جان وطنم
* * *
به بوی کوچه هایت مستانه گشتیم
کابل جان ویران شد،هی هی گلکم
به خاك و سنگ تو دیوانه گشتیم
کابل جان ویران شد ...
الا کـــاش بـرســـم باز پیش کابل
کابل جان ویران شد ...
که دور از کابلم بی لانه گشتیم
کابل جان ویران شد ...

چشما پر گریان شد هـــی هی گلکم
مردم به زندان شد هی هی گلکـم
* * *
ولـــی آخر شویم آزاد ای دشمن
آزادیـــس نشـــانم هی هی گلکم

به مثل گلستان آباد ای دشمن
آزادیس نشانم ...
نکردیم بندگی کس به عالم
آزادیس نشانم ...
نمیشوی ده ملکم شاد ای دشمن
آزادیس نشانم ...

آتش است زبانم ، هی هی گلکم
فدای وطن سر و جانم ، هی هی گلکم

* * *

د " وکوره ته ماته ستا نظر کی ... "
په آهنګ

سنګر کی څنګه ښکارو

ای ګرانه هیـــواده ســـتاسنـــــګر کی څنګه ښکارو
مونـــږ ستـــــا په دښتونو اوچت غرکی څنګه ښکارو

* * *

دښمـــن ته دی سیلاب شو مونږ په خپلوتکو سرو وینو
مـــونږ د خپلو وینو سمندر کی څنـــګه ښـــکارو

* * *

سترملی وحدت کی مونږ توفان شوددښمن پـه لـــور
مونږ دخپلو خلکو، لوی لښکر کی څـــنګه ښکـــارو

* * *

سر به له تا ځارکو مونږ،تر څو چه ته خپلواك نشی
مونږ په ورکولو ، د خپل سر کی څنګـــه ښـــکارو

* * *

ستا د حماسو تصویر ، رنګیـــن په خپلو وینو کړو
دا زمـــونـــږ هنر دی دی هنر کـــی څنګـــه ښکارو

* * *

اور اوری لمـــبی دینـــه نـــاپالم کیمیاوی بمان
راغ و غرلمبـــــی شول ، دی منظر کی څنګه ښکارو

* * *

د " ستا دسترگو بلا واخلمه جاناند ... "
په آهنگ

ارمـــانـــه زمـــا

ستاد خاورو لوتو جار افغانستانه زما
وه لـــوگی لوگی لوگی دی شم ارمانه زما (۲ ځل)

* * *

د یوه خپلواك خپلواك وطـــن دپـــــاره (۲ ځل)
تـــه دی ځوانی زه می ښایست قربانومه ــ وه جانانه زما
وه لـــوگـــی لـــوگـــی دی شم ارمانه زما

* * *

ستا دخاورو لوتو جار افغانستانه زمـــا
وطنـــــه اور اوربـــه ځان نـــه جـــور کم (۲ ځل)
چـــه غلیمـــان دی کـــر ملن کی وسیزمه ــ وه جانانه زما
وه لوگی لوگی لوگی دی شم ارمانه زما

* * *

پـــه یـــوه سترستـــــر ملی وحدت کـــی (۲ ځل)
د خپلـــواکـــی سبـــابه تاتـــمراولونـــه ــ وه جانانه زما
وه لوگی لوگی لوگی دی شم ارمانه زما

* * *

وطـــنه ستـــا ستـــا پـــه پـــاکه خاوره (۲ ځل)
که نور جنگیږی زه می وینه تـــــــوبیومه ــ وه جانانه زما
وه لوگی لوگی لوگی دی شم ارمانه زما

* * *

چه خونهایی که بخاك ریختند، چه عروسان جوانی که با لباس های شب زفاف بخون خود غلتیدندو یا بر جسد خونین داماد ها گریستند. چه شادی هایی که غم شدند و چه غمهایی که ماتم گشتند. چه دامادهاییکه‌بجای دست های گرم عروسان شان ، قنداق سرد تفنگها را بدوش کشیدند و راهی سنگرهای پر از فریاد جهاد گشتند. چه شبهای براتی که به محرم بدل شدند و چه محرم هاییکه ازغریو گلوله‌ها و انفجار بمب ها چون شبهای برات گشتند. همه چیز دگرگون شد، هم خوشیها و هم غمها، همه خوشیها در پیروزی بر دشمن خلاصه شدند و همه غمها در غم اسارت وطن .

آهنگ "آستابرو" که بهترین بخش مراسم عروسی را میسازد، نیز نمیتواند بیانگرواقعیت جامعه ما نباشد، از ینجهت در قالب این آهنگ زیبا، غمهای ملت ما بصورت چاربیتی هایی بیان گشته که بجای وبا در خلال چاربیتی های معمول خوانده میشود.

ماابن چاربیتی ها را بیاد و به ارواح پاك عروسان و دامادهای شهیدی که بهترین دوران زندگی خود را در راه آزادی وطن فدا کردند، تقدیمیکنیم.

آستـــــا بـــــرو

آستابرو ماه ما آستـــا برو
آستابرو سروروان آستابـــرو
ای چرخ فلك ببین چی باما کـــــردی
آستابرو ماه ما آستابرو
روز وطنـــم سیه چو شبها کـــــــردی
آستابرو ماه ما آستابرو
بنشاندی عروس را بخاك دامـــــــاد
آستابرو ماه مـــا ...
در خاك تن عروس زیبا کردی
آستابرو مـــاماآستابـــرو
آستابروسـروروان آستابـــرو

ایوای بـــجای خنده ماتم ریـــــزد
آستا برو ماه ما ...
برخانه و کشت و باغ ما بم ریـــزد
آستا برو ماه ما ...
بر زخم وطن که سوزد از خنجر روس
آستابرو ماه مـــا ...
از خون شهید پاك مـــــرهم ریـــــزد
آستابرو ماه ماآستا برو
آستابرو سروروان آستابرو

PROPERTY OF
ACKU
2598

ایواچه عروسها که در خون گردید
آستابرو ماه ما ...
پیراهن شان ز خون گلگون گردیـــد
آستا برو ماه ما ...
وقتی که بلای روس نـــازل شـــد وای
آستا برو ماه ما ...
این خاك زخون ما چو جیحون گردید
آستا برو ماهماآستابـــرو
آستابروسرووان آستابرو

ایواچه امید ها که بـــرباد شدند
آستا برو ماه ما ...
بس خاطر شادکام ناشاد شدند
آستا برو ماه ما ...
از وحشت روسها جوانـــان وطـــــن
آستا برو ماه ما ...
با دختر مرگ عروس و داماد شدنـــد
آستابروماه ما آستا برو
آستابروسرووان آستابرو

آندم که به ملك لشکر روس آمـــد
آستا برو ماه ما ...
برخاك وطن روس منحـــوس آمـــد
آستا برو ماه ما ...
مردم همه همدست و مجاهد گشتنـــد
آستا برو ماه ما ...

زیرا که عدوی خاك و ناموس آمـــد
آستابرو ماه ماآستا برو
آستابروسروروان آستابرو

ایوا چه عروسها که ناکام شدند
استا برو ماه ما ...
بس عشق شروع نگشته انجام شدنـــد
آستا برو ماه ما ...
صد ها و هزار ها جوانان وطـــــن
آستا برو ماه ما ...
رفتند بکام مرگ و اعـــدام شـــد
آستابروماه ما آستا برو
آستا بروسروروان آستابرو

به آهنگ :
" ای وطن ای وطن گلشن خاور زمین "

ترانه وطن

ای وطن ای وطن شعله‌ای ازخشم و کین
ای وطن ای وطن راه تو راه نوین

پیکر زخمی تو، خاسته روئین شده
دامنت از خون مابین که چه رنگین شده

ای وطن ای وطن شعله‌ای ازخشم و کین
ای وطن ای وطن راه تو راه نوین

راه تو از بحر خون میگذرد تا حیات
قتل بکن دشمنت تا که بیابی نجات

ای وطن ای وطن شعله‌ای ازخشم و کین
ای وطن ای وطن راه تو راه نوین

میهن سوزان ما ، خار چشم روسهاست
روح شهیدان ما در طلب خون بهاست

ای وطن ای وطن شعله‌ای ازخشم و کین
ای وطن ای وطن راه تو راه نوین

اینهمه کشتار روس قامت ما خم نکرد
حیله و تزویر شان کینه ماکم نکرد

ای وطن ای وطن شعله‌ای ازخشم و کین
ای وطن ای وطن راه تو راه نوین
تا نفس آخرین ، سینه ما سنگر است
در دل روس کثیف پنجه ما خنجر است

ای وطن ای وطن شعله‌ای ازخشم و کین
ای وطن ای وطن راه تو راه نوین

سرودی از شاگردان مکتب وطن

خـــــون

چه میبینم دریـــــن خاك مقدس سر بسر خون است
دل مادر، تـــــن دخترء سرگرم پسر خـــــون است

شمالت خون، جنوبت خون، شرق وغرب تو خونین
تمام پیکرت ای میهن من غرقه در خون است

بروی جاده هات بس "مـــــلالی" زاده شد ازخون
که بهر انتقام شان همـــه کوه و کمر خون است

ازخـــم نقـــش پوش کشتگان آتـــش بپـــاخیزد
ز خامـــــوشی مزن حرفی که سیلاب شرر خون است

چه میجویی کدامین ره رهایی راه خواهد بود
درین سرگشـــتگـــی هـــا رهبر ما رهبـــــر خون است

به گورستان بری امیـــــد تســـــلیم شکست ما
که ماخونزاده ایم و جوهر ما جـــوهر خون است

بیا ای هموطن خونین وجود خاك خـــــود را بین
که گلگون است و از آتش گلاب پرپر خـــــون است

چسان از خواب و آرامش سخن را میتوان گفتن
درین میدان جنگ آذین که فرشش مرمرین خون است

پنداری که شبهای اسارت جاویدان مانـــــــد
میان ظلمت شب جرقــه نور سحـــــر خون اســـــت

به آهنگ :
" پر خود نمای کارگر چند و ... "

آشیـــان مـــا

افغانیم و افغانستان است عشق و جان مـا
محراق فریاد و عـصیـان است خونستان مـا

از شرطه باد تشنه بگشت ویرانه سر به سـر
این نازنین بهشت زمین ، گلستـــان مـا

تا حشر نخواهد خفت در قلب ایـــن زمین
یـــاد خـــون شهیـــد پـــاك و قهرمان ما

با خنجر و زولانه و بمـــب و گـــلوله اش
نتواند بندددست و پا و هم زبـــان مـا

یـــاران نـــگاریـــد بـــرورق یـادروزگار
جـــاویـد بـا خـط سرخ خونین داستان ما

پر می زنیم به سینـــه ی پـــرآتش وطن
پروانه ایم و شعله بود آشیـــان مـــا

بـه آهنگ :
" کجکان نازکان ای گل "

همـــای زخمـی

وطـــن جـــان عـــاشـقـت هستـم
بـــه خـــون مـــحافظت هستـم
به سجده میگذارم سربه خاگبـــت
وطـــن جـــان عـاشقـــت هستـم

ســـفر کـــردی سفر در خون کردی
قـــدرت شـــوروی زبـــون کردی
زمـــرگ شهیـــدان زمیـــن پاکت
چو لاله به صحرا گلگون کـــــردی

کجایـت را بگویم نـــــازنینم
همای زخمی و ســـــیمرغ حزینم
مباش غمگین ز خون سازیم نوش دارو
که تا گردی جاودان سرزمینـــم

بدنیا ندارم دیگر هیچ ارمان
که دهم بر ه رهـــاییت جـــان
به آخرین نفس گویم که صدشکر
خونم ریخته به خاك افغانستان

بد آهنگ :
" او خدا جان دلم تنگ اس "

او وطـــــن جـــــان

اگر روز وطن زار و سیاه شد
همه آبادیش ویرانه ها شـــــد
نکرده طاقت این ظلم بسیـــار
دل دیوانه اش یکدم به پا شد

او وطن جان ترا جنگ است
آرام نشستن سخت ننگ است

زهجرانت وطن رورم سیاه شـد
دل بیچاره از عشقم جدا شـد
کنون دانم که هرکس که براهت
نرفته زندگیش هم تباه شـــــد

اووطن جـــان تراجنگ اســت
آرامنشســـتن سخت ننگ است

ندانستم وطن قـدر زمینـــــــت
دوگردون را نخواهم بر همیـنت
ندارم آرزوی لحـظـــه ی غـــم
شوم فدای ایـــن حـال غمـــینت

اووطن جـــان ترا جنگ است
آرامنشســـتن سخت ننگ است

بدل دارم ترا نزدیك و بسیار
بجز تو هیچکس نباشد مرا یار
بیا بگذر از ین جور و جفاها
که میهن را شویم بانی و غمخوار
او وطن جان ترا جنگ است
آرام نشستن سخت ننگ است

د " زه انتظار کوم ستا په سترګو " په آهنګ

د جبهـــی انتظـــار

زه انتظار کوم جبهی ته تللو
سره دیار مورچی ته تللـــو
دا اوه کاله و م جبهی و شاته (دو بار)
اوس می تصمیم د دی عرصی نه تللو
سره دیار ...

* * *

کډوم وینه نارینه و ســـــره
د قربانی ستری دری په تللـــو
نور می ګانه سینګار وسله جوړوی
د جهاد بزم او میلی ته تللـــو
سره دیار ...

* * *

د روس په سر به لکه غشی ورځم
د خپل ولس د جنګ لیندی ته تللو
یم په ارمان د شهادت دجبهی
د افتخار هغی لحظی ته تللـــو
سره دیار ...

* * *

بد آهنگ :
" بیا که بریم بد مزار "

بیا که بریم به مزار

بیا که بریم به مزار، مزار خونین است
لاله‌زار میهنم کنون غمگین است

بیا که بریم به مزار ، مزار تباه شد
جای لاله اش کنون خاک سیاه شد

جوانهای مزار ده خون غلتیدند
زن و مردهایش سوی دشمن دویدند
نمیترسند ز دشمن هر که باشد
اگر مرگ هم به چشم خود ببینند

بیا که بریم به مزار با توپ و تفنگ
آزادی را بگیریم با بزرگ فرهنگ

سخی شیر خدا یا شاه مردان
ملك خونین ما آبادبگردان
زشمال تا جنوب و شرق و غرب را
بدست مجاهد آزاد بگردان

تفنگت بگیررویم ، وطن شد ویران
وطن که نیست مثلش همگی جهان

ده مـــــلکم آمـــــده روســـــهای تـــــزار
کـــــردن مـــــلك مـــارا خـــونین و خونبار
نمیتـــــانند گـــــرفته مـــــلك مـــــارا
کـــــه اینجـــــانیـــــست خـــاك چکهاوبلغار

بیا که بریم به وطن بـــــا عشـــــق سرشار
دشمن را سازیم زبون چون خس و چون خار

د " لار شه پښتور ته کمس تور ... "
یه آهنگ

مهـــاجـــر تـــه خطـــاب

راشه خپل وطن ته توفانونه را خپاره شول
څپـــــی څپی د وینو سیلابونه را خپاره شول

نن که وطن ته ته رانشی
وطن په وینو سور شو دلاله گلونه
وی سپاپدی قبرانـــدی لاړی تو کوینه
توفانونـــه را خپاره شول
څپی څپی د وینو سیلابونه را خـــپاره شول
راشه خپل وطن ...

* * *

دجنگپه اور کی دی ځان پاك که
وی گوندی دی مړی بی ننگـــی په اور سیزینـــــــه

* * *

راځه د خلکو خدمتکار شه
وی داســـــی انکار شه چـــه غلـــیم و سوز وینـــــه

* * *

گوره لمبه شه بیا حمله شه
وی پـــــه روس اخته شه چه هډ هډ وسیزینـــــــه

* * *

د کاروان منځ ته را روان شه
وی گوندی په شاکی پاته شوی تورو سپو خوړلـــی دینه

* * *

د خپلو وینو ډیوه راوړه
وی چـــه د جنبش کاروان دا لارچـــــــــی رڼوینه

* * *

نن دغه اور که لمبه ورکی
وی آزاد اختر کی به دی قبر باندی گل و غوړوینه

د " ای زما وطنه د لعلونو خزانی زما "
بد آهنگ

د وطـــن تـــرانـــه

زمونږ جنت نشان وطـــن
سکلی دی گلان پکـــــی
سم او غرلری گلشـــــن
اوسی بوراگـــان پکـی

ته دجنگ ځوانان روزی
تانه شم وطن قربـــان
ننگ کی لویدی همیـــش
دادشجـــاعت زمریـــان
کړلو دی زمریانوستـــا
نن ورځـــی گیدړ حیران
وژنوتری روسی خچن
اوسی بهادران پکی

ته باغ دحـــرمزمونـــږ
مونږه بـــلبلان یوستا
شمعهبی روښان زمونـــږ
مونږه پتنگان یو ستا
حق لری دمورپه مونـــږ
مونږهفرزنـــدان یوستا
وکړه پهفرزندیقین
نهپریدوروسان پکی

مړی دی ژونـــدی کړلـــه
خوش مـــــزه وړمه لـــری
دی آب و هواکی تـــــــه
کیف عجـــــــب نشه لـــری
په هرچیـــــنه د غـــــره
شاتونه خـــــــوړه لـــری
مونږ بازان دغرملمن
نه پریږدوزاغان پکی

تانه مو دژوند مـــــزه
هر وختی څښـــلـــــــی ده
وینهمو رګونو کـــــــی
ستازړه نـــه نیولی ده
هر پیغلی څلمیتـــه لار
ویاړ کـــی تابنودلی ده
تانه مو قربان بدن
نملرو خفګان پکـــــی

به آهنگ :
" چمن چراغان اس "

سنگـــر بـــرویـــم

وطن بمباران است سنگر برویم
دلم پریشان است سنگر برویـم

* * *

سر ما روز روشن شام تـار است وطن بمباران ...
بمها و تانك روسها بیشمار است =
به ضد دشـمنا مردم ده پیـــــکار =
زمرد و زن همکی هوشیار اســـت =

وطن بمباران است سنکر برویم
دلم پریشان است سنـکر برویم

* * *

دل دیوانه دارم در فراقـــــت وطن بمباران ...
دو چشمانم نبینه غیر راهـــت =
مرا خواهی کنون در سنکر خود =
به جاو پا سرم بانم به خاکت =

وطن بمباران است سنگر برویم
دلم پریشان است سنـــگر برویم

* * *

ده جنگ تصمیم ملت پایدار اســت وطن بمباران ...
به عشق خاك و انسان استوار است =
اگه دشـــمن هزاران بم بریزد =
حریق خشم مـــردم را شراراست =

وطن بمباران است سنگر برویم
دلم پریشان است سنگر بـــرویم

* * *

وطن نامت نگاه داریم به آسمان وطن بمباران ...
به راهت جان دهیم آسوده آسان =
بگیریم انتقام ذره خاکـــــــت =
ز روس این دشمن خونخوار انسان =

* * *

بد آهنگ :
" سیاه موی جان "

هـــــرات خـــــونیـــن

هرات خون است دلم به مثل قلبت هرات جان
ندارد لحظه بی آرام به سینه =
ز درد دوریت سوزد همیشه =
با دشمنت همی به جنگ و کینه =

آرام ندارم دور از هرات
یادم دگر رفته عید و برات
روزی که نام تو اسیر دشمن شد
سیاه روز این ملت شد

ز خاطر رفت سیاه موی و جلالی هرات جان
شهر زیبایت از قصه شد خالی =
چنان سوخته زمین نازنینت =
که در خاکت نیسته یکدانه شالی =

آرام ندارم دور ...

جهان خواند دومین هیروشیما هرات جان
تو قهرمان دشت فتح و رزم ما =
به فردای رهایی باز بسازیم =
ترا زیبا ترین شهری بدنیا =

آرام ندارم دور ...

سازم نامت ز خون هراتم نامی هرات جان
نگذارم بدین روز ناکامی =
به یاد شهیدانت باز بسازم =
دو صد تا یادگار چو گور جامی =

آرام ندارم دور ...

دختر کابل راهمواره به خاطـر زیبـاییش ستوده اند ودر ۹ ثور سال ۱۳۵۹ دختران کـابـل به حد اعلی زیبائی ایمان تقوا، شجاعت وآزادیـخـواهی خود را به نمایش گذاشتند.

این شعربروزن آهنگ معروف " چتری چتری گل هستی..." گفتـه شـده اسـت ، که همراه با آهنگ مذکور خوانده میشود.

دختـــر کـابـل

چتری چتری گل هستی دختر کابل هستی
مرغوله کاکل هستی شاخه سنبل هستـی
سرك از خون تو رشك چمن شـد
چتری چتری گل ...
لباس مکتبت برت کفـــن شد
چتری چتری گل ...
قد و بالای تو شد لاله لالـــه
چتری چتری گل ...
سروجان تو قربان وطـــن شد
چتری چتری گل هستی دختر کابل هستی
مرغوله کاکل هستی شاخه سنبل هستی

عروس خون شدی ای جامه‌درخون
چتری چتری گل ...

بخون ننگ اسارت شستی ازخاك
چتری چتری گل ...
کـــتاب و کاغذت درس شرف شد
چتری چتری گل ...
خودت تاج شرف ای دختر پـــاك
چتری چتری گل هستی دختر کابل هستی
مرغوله کاکل هستی شاخه سنبل هستی

ولی ای دخـــتر بیدار ، رفتی
چتری چتری گل ...
تو در راه وطن ، ملت براهت
چتری چتری گل ...
چتری چتری گل هستی دختر کابل هستی
موغوله کاکل هستی شاخه سنبل هستـــی

دلت آئینه خشم و شـــــهامـت
چتری چتری گل ...
سلاحت چادر و دستان خونیـــــن
چتری چتری گل ...
گناهت عشق آتشخیز این خـــاك
چتری چتری گل ...
و مرگت سینه سوزوسخت سنگین
چتری چتری گل هستی دختر کابل هستی
مرغوله کاکل هستی شاخه سنبل هستی

ترا کابل درون سیـــــنـــه دارد
چتری چتری گل ...
ترا میهـــــن درون سینه دارد
چتری چتری گل ...
شدی قربـــــان دســـت تجـــــاوز
چتری چتری گل ...
دل میهن زخصمت کینـــه دارد
چتری چتری گل هستی دختر کابل هستی
مرغوله کاکل هستی شاخه سنبل هستی

بکش دستان خون آلوده ازگور
چتری چتری گل ...
تمام دختران دررامخود خوان
چتری چتری گل ...
کفن آلوده ازخون بازبرخـــیز
چتری چتری گل ...
بخوان ملت فـــرارامشهـــــیدان
چتری چتری گل ...
چتری چتری گل هستی دختر کابل هستی
مرغوله کاکل هستی شاخه سنبل هستـــی

د " بیا کهی یارپوی "
بد آهنگ

بیا وطن ته خیږی

بیا وطن ته خیږی
چانتی واخیستی ځوانانونی
دادوطن جنـــګ دی
یـــرغل وړینه په روسانونی
او بیا وطن ته ...

یارمی‌پیرتمراغی
سم دلاسه دجبهـــــــی نه دی
دمبی کړی نه وه
لیږل کیږی بیامورچی تهدی
خیږدی خپه نه یم
که شی لاړ داورلمبی ته دی
خوښه یمخوشحالـــه
دامنمه پـــه چشمـــانونـــی
او بیا وطن تـــه...

ټول یاران خپهدی
چه جانان می لګیـــدلـــی دی
حال راته نهوایی
زړه می پښوتمرالویدلی دی
داسی شهید شـــــوی
چه یارمخ تـــــه دریدلی دی

دادفخـــــر ځای دی
قربان شوی پـــه یارانـــونی
او بیا وطن ته ...

د " یاره مسافره قربان شم "
یه آهنگ

سر تیری مجاهد

یار می سر تیری مجاهد دی قربان شم
یارمی سر تیری مجاهد دی قربان شم
دکلی پیغلی می خدمت ځکه کوینه ـ قربان شم

دی پهکالوکورتهرانهغی ـ قربان شم
یارمیسرتیری مجاهد دی ـ قربان شم
خپه بی نهیمزما وطن آزادویینه ـ قربان شم

هرمجګړهکی دی په سردی ـ قربان شم
یارمی سرتیری مجاهددی ـ قربان شم
ځکهځوانان بی ملګرتیاباندیویاړینه ـ قربان شم

په مشکلاتو کی مخکښ دی ـ قربان شم
یارمی سړتیری مجاهددی ـ قربان شم
په امتیازاتوکی دی شاتهقدم وړینه ـ قربان شم

یار می بیوزلو خدمتګار دی ـ قربان شم
یارمی سرتیری مجاهد دی ـ قربان شم
داسی انګار دی مفت خوران دی سوزوینهـ قربان شم

دانقلاب بری دپاره ـ قربان شم
یارمی سرتیری مجاهد دی ـ قربان شم
کـه زمـا شی سـرد ده پکارنه بی ښندمه ـ قربان شم

بد آهنگ :
" الله اکبر " شاه ولی ولی

لیـــلای میهـــــن

در خـــــون فتـــاده محبوب میهـــن
از سوگ شمال تا جـــنوب مـــــیهن

همه بدارند فریاد مـــــرد و زن
لیلای میهن ، لیلای میهن ، لیلای میهن

در شام سیـــــاه رفتی تو در راه
روشـــــن نمـــودی چـــراغ چون ماه
در کوره آتش چون مـــرغ ســـرکش
از صبـــر نـــکردی فریادی یا آه
عـــاشـــق میهن شهیـــد ملـــــت
لیلای میهن ، لیلای میهن ، لیلای میهن

امیـــد نـــکردی رهـــا زفـــردا
بگفتـــی زن را دگـــر خیـــز برپا
بیـــا بـــه میـــدان نبـــرد مـــا
کـــه ســـازیـــم آزاد میهن زیبا
روم بـــراهـــت، ای روح ایـــن تن
لیلای میهن ، لیلای میهن ، لیلای میهن

بســـوخـــت از داغت خواهر و مادر
از سوگ بسیـــار چشمی نیست بی نم

قســـــم نـــــدانـــــد کســـی که سازد
از این چنین غم چه خاکی بر سر
لیلای میهن ، لیلای میهن ، لیلای میهن

آهنـــــگ محـــلی

مد آهنگ :
" من ترا قسم قسم میتم "

بـــاران گـــولـــه مثل ژاله میباره دلبرم
مجاهد ببین شـــوهـــادرکوه بیداره دلبرم
بیا که برویم همراه مجاهد ها جنگ دلبرم
که او به خونش وطـــن نگاه میداره دلبرم

دشمـــن شـــده زبون ما
مستی کـــند از خون ما
آخر این وطن میرهانیم
بلایش به جان کردانیم

وطندار وطن به خاك و خون غلتیـده دلبرم
ماره از وطن دشمن های مابـریـــده دلبرم
بیا که بریم به جنگ روســهای تزار دلبرم
که از دست روس وطن به خون افتیده دلبرم

وطـــن شـد اسیـــر روس
بدست اوس مـــارانـــاموس
دست به دست هـــم، گیریم
نازنین وطـــن را ازروس

بیا که برویم به سوی فراه و زابـل دلبرم
بگیریم یکسر هرات و مزار و کابل دلبرم

گـــرهـــم بـــگردیم کشته برای میهن دلبرم
نداریم دگر دوری وطنم تحمل دلبرم

وطن شدمس چـــو زندان
همـــه جاش گشته ویران
جنگ کنیم به سر به جان آخر
آزاد کنیـــم افغانستان

به آهنگ :
" پیراهن حاکم شیرجایی باشد "

حـــق میهـــن

بیا که حق میهن ادا بـــــسازیم
در راه عشق پاکش جانرا ببازیم
بریزیم خون خود در صحرا و کـوهش
بـــنام ملتـــش در دنیا بنازیم

بهار آمد و سنگر پـــر از مجاهد
ضد دشمن به وحدت میشن بدانیـد
قطارهای عسکری روس آتش میکبره
اگر باور ندارین کوههاسته شاهد
بیا که حق میهن ...

* * *

ده هر جنگی که مردم تا حالی کـرده
از ای دشمن کم دل میدانه بـــرده
کلش قوت بازوی مردان جنگـــــی
که پیشانی دشمن یك مرمی خورده
بیا که حق میهن ...

* * *

برو بگو به دنیا از جنـــگ میـــهن
بـگو از ظـــلم روسهابر مرد و برزن
بگو که روز روسهاخواراست درین خـاك
نداره خواب آرام این خرس ناپـاك
بیاکه حق میهن ...

* * *

ببینید مردما روس ، این دوست دنـــیا
که از کمك و دوستی مین کاشته صـــحرا
ده هر کجا که ظالم نام داره یـــکدوست
تجاوزگرِ بیرحم،خونخوار همین اوست
بیاکه حق میهن ...

* * *

سر راه مجاهد مینه مانده همـــی روس
دل ظالم و خونخوار داره همی روس
سراسرملك ما سوزد درآتش جـــنگ
هلیکوپتر و جت زیاد داره همی روس
بیاکه حق میهن ...

* * *

دگر روسها چه نیرنـــگ تازه دارن
جاســـوسایش ناکام شد چه چاره دارن
اکر میگن دیکر جنکه در نـــمیتـــن
چرا راکت و بم تانك آماده دارن
بیاکه حق میهن ...

* * *

د " ګل سترې راسه ګل می واخله "
په آهنګ

د وطـــن جنـــګ

مینه راشه تـــوپك واخـــــله ــ نور مکړه ماتل
داد وطـــــــن جـنګ دی ــ نور مکړه ماتل

دوطن کوټ کوټ مـــوزخمـــی دی ــ نور مکړه ماتل
دا دوطـــن جنـــــګ دی ــ نور مکړه ماتل

په خپلو وینوبی پرهـــار دوا کوونه ــ نور مکړه ماتل
دا د وطـــــن جنګ دی ــ نور مکړه ماتل

مـــینه راشـــه توپـــك واخله ــ نور مکړه ماتل
دا دوطـــــن جنـــګ دی ــ نور مکړه ماتل

مینـــه داســـی وخـــــت راغلی ــ نور مکړه ماتل
چه توپك واخلو لاس په لاس مرچل ته ځونه ــ نور مکړه ماتل

ته په مرچل کی ځان شهیـــد کړه ــ نور مکړه ماتل
زه به سور شال ستا په زیارت وغورومه ــ نور مکړه ماتل

دیـــوه خپلواك وطن دپـــاره ــ نور مکړه ماتل
ته دی ځوانی زه می بنایست قربانومه ــ نور مکړه ماتل

به آهنگ :
" گل سیب "

گـــل سیـــــــب

شب کجا بودی گل سیبم یار
در سنگر خود گل سیبم یار
واه واه گل سیب ــ گل سیـــب ــ گل ســـیبم گل سیـــب
واه سرخ و سفیـــد ــ گل سیـــب ــ گل سیبـــم گل سیـــب

* * *

یاران و برادران بهار آمـــده اســـت ــ گل سیبم یار
به مردم ما وقت شکارآمـــده اســـت ــ گل سیبم یار
وقتیست که روس دشمن این خـــاك کهـــن ــ گل سیبم یار
پیچ خورده به زخم خود چو مار آمده است ــ گل سیبم یار
شب کجا بودی ...

* * *

بیا که برویم به سوی سنگرما و تـــو ــ گل سیبم یار
آماده کنیم ســـلاح و خنجر ما و تـــو ــ گل سیبم یار
تا روس به سوی مـــا آتش بکـــشد ــ گل سیبم یار
دنیا به سرش بسازیـــم محشر ما و تـــو ــ گل سیبم یار

* * *

دلدار به من گفت که چـــرا خوشحالـــی ــ گل سیبم یار
شب خواب چه دیدی که به خود میبالی ــ گل سیبم یار
گفتم که تو از خواب مپرس خواب کجاست ــ گل سیبم یار
روس گیج شده می لـــرزه از بی حالـــی ــ گل سیبم یار

* * *

پرسید سحر شبنـــم ازآفـــتاب بهار ــ گل سیبم یار
با کیست تـــرا راز نهانـــت آشـــکار ــ گل سیبم یار

از قله کـوه چشـــمك زد نور سپید ــ گل سیبم یار
گفتا که مرالاله دشـــت باشـد یار ــ گل سیبم یار
شب کجا بودی گل سیبم یار
در سنگر خود گل سیبم یار
واه واه گل سیب ...

د وطن د ساونځی د ردنکوونکو یوه سرود

جنګیالی پیغلی

دوطن جونی جنګیړی
ګلالی دی ګلالی دی
ملالی به پری نازیږی
توریالی دی توریالی دی
وطن موری ستا دپاره
ستاپه مینه ستاپه لاره
ستاپه زړه کی تل لپاره
خودئ دمرګ پهخوب ویدیږی
بریالی دی بریالی دی

د وطن جونی جنګیړی ...

د وطن پیغلی با ایمانی
دی اتلی قهرمانی
دوطن جنګ ته روانی
لوی قدرت لهدوی ویریږی
جنګیالی دی جنګیالی دی

دوطن جونی جنګیړی ...

* * *

به وزن آهنگ :
" این نظام ما باد جاودان "

سرود مکتب

دشمن وطن سرنگون کنیم
نظم روس را واژگون کنیم
فدا رتجاع مکتب خوده
بهرخلق خود لاله‌گون کنیم (دوبار)

با نثار خون بهرخلق خود
باچراغ علم با نبرد خود
مکتب خوده میبریم به پیش
باهم‌همصدا میرویم به پیش (دوبار)

دشمن وطن ...

ما محمیم بهر جانبازی
سر فدا کنیم با سرافرازی
بهرتوده‌هاست اتحاد ما
فدا رتجاع میرویم به پیش (دوبار)

دشمن وطن ...

در ره وطن بهر آزادی
با توای کارگر همره دهقان

می شویم یکجا میگذریم زخویش
بهر انقـــلاب میرویم به پیش (دوبار)

دشمن وطن ...

به آهنگ :
" بچه ماشی ماشی "

وطـــن آزاد میشـــی

وطن آزاد میشی صبح فـــروزان داری وطن آزاد میشی
وطن در سینه پاکت گهر پنهان داری =
وطن در سینه تو جایگه پاکـان است =
وطن در پیکرت خونـاب خروشان داری =

* * *

وطن از سنگر و کوههای بلندت هنـوز وطن آزاد میشی
وطن صدای مجاهدان بلند است هنـوز =
وطن استقلال تو به قیمت خون گیریم =
وطن قلب ما پر از عشق و سوگند است هنوز =

* * *

وطن هرذره خـــاك تـــو شهامت دارد وطن آ زاد میشی
وطن قربـانی راهت چـو متانت دارد =
وطن زندانی زنجیر اســـــارت گشتی =
وطن بر ملت تو روس جنایـــــت دارد =

* * *

وطن هرروزی که تیر میشه دهای جنگ دراز وطن آزاد میشی
وطن کم میشه از عمر دشمن ملت باز =
وطن درجنگ حقت به حق که پیروز میشـــی =
وطن شاهین رهایی ات آریم ده پرواز =

* * *

وطن زار و ناتوان کردی تو این دشمن خود وطن آزاد میشی
وطن پر از گل لاله ساختی دامن خود =

وطن روزی میرسه که دشمنه محو کنیم وطن آزاد میشی

وطن گل های سفید بچینیم از میهن خود =

* * *

د وطن د ښوونځی د ردنکوونکو یوه سرود

وطنـــــه ځـــان وطنـــه

وطنه ځان وطنه ځار وطنه ، ځاروطنه
زه قربانیږمه پـــرتـــــادامی اقاروطنه
ته زما روح وطنه تـــــه می روان وطنه
ته می آرزو وطنه ته می ایمان وطنه

بندبی بندبیوان بی دپردوتورو منګلوکی
ځار وطنه ځار ځار (۲ ځل)
رنګ شولی تپی شولی، بمونو راکتو باندی
ځار وطنه ځار ځار (۲ ځل)
دغه نړی خوره اور تا باندی رابل شولو
ځار وطنه ځار ځار (۲ ځل)
یو موتی ولاړ شوی لکه غره غوندی په پښو باندی
ځار وطنه ځار ځار (۲ ځل)

جنګ کی که ته تری شوی ، وینی مو شربت ګنه
ځار وطنه ځار ځار (۲ ځل)
خیر دی که تپی شولی ، غوښی مو مرهمګنه
ځار وطنه ځار ځار (۲ ځل)
بند په بند جدا شو خیر، تا به بنده خلاص کونه
ځار وطنه ځار ځار (۲ ځل)
ستا دغلیم غاټی له، سپر موسینی هم ګنه
ځار وطنه ځار ځار (۲ ځل)

سرودی از شاگردان مکتب وطن

بر خیز توفان توستی

ای سیل تند پیشـــــرو
ازراه این ویرانه رو
پست و بلند هموار کن
بر دشت و کوه مستانه‌رو (دو بار)

سد کهن درهـــم شکـــــن
فـرسوده دژ ها برفکن
ویران کری کن موج زن
پـــر شوو بی باکانه رو

ای سیل تند ... (دو بار)

این گلشن بی رنگ و بو
مـــــانـــد بـکور آرزو
ویران کن و خاکش بشو
دیـــوانه آ، فرزانه رو

ای سیل تند ... (دو بار)

هان رفـیق راه مـــن
امروز من فردای مـــن

وی موج توفان زای من
بخروش و بی تابانه رو

سیل خـــــروشان توستی
موج غریوان توستـــــی
برخیز توفان توستـــی (دو بار)
ازراه این ویرانه‌رو
پست و بلند هموارکن
بردشت وکوهستانه‌رو

د وطن په لار ځمه

سره دوینو جـــوړه وطنـــه رااعطـــاکړه
زه ستا په لاره ځمه دی لارکی مافـــداکړه
ځوچه داتن وی اوداساه وی جنګیدل به وی
ځو چه روسان وی او دا جنګ وی کړیدل به وی

ځو چه پردی ږدی په دی خاوره کی ناپاك قدم
لابه وژل وی په ســـــرو وینو رییدل به وی

با توره! توره واخله ، روسانو سرجدا کړه
زه ستا په لاره ...

* * *

د منافق علامه داده چـــه نفـــاق غواړی
دی د روسبی په ضد جبهکی تل شقاق غواړی

کله پر تا کله پر ما بـــاندی برغل کوی
کله دخلکو په هستی بانـــدی غـــوبـــل کوی

مـــجاهده دا روسی دی، ژوندون بی ورفنا کړی
زه ستا په لاره ...

* * *

راځی یو موتی شو یو لاس شو او توفان شونه
راځی سیلاب شو دغلیم په لور روانه شونه

بوه موخاوره بوه لار بومو وطـــــن دی دا
بو مو ارمان دآزادی بو مو وطـــــن دی دا

وحدت ته مجاهده ، هربوته رارضا کـــــره
زه ستا په لاره ...

* * *

بد آهنگ :
" الا ای چادر الوان "

دختـــــت افغـــــان

الا ای دخت افغان خواهر افغـــــان
به خون رنگین توساختی راه شهـــیدان
الا ای دخت افغان
زتـــــربانی و شهادت بیشـــمارت
دشمنا ده جایشان مانده زار و حیران
الا ای دخت افغان

چـــراحالی بشـــینیم ماده کنج خانه
که هر جای وطن جان گشته بندی خانه
الا ای دخت افغان
اگـــه سابق ما زنـــدانی خانه بودیم
حالی وختس کهزندان در وطن نمانه
الا ای دخت افغان

بیا حالی که جنگ اس بادشمن خـــاك
نترس ازمرگ وقربانی تو در ره پـــاك
الا ای دخت افغان
بسیار جوانای وطـــن جانه به حق سپرده
بیـــا که صاف کنیم خاك از خس و خاشاك
الا ای دخت افغان

اگردیروز ترازار وضعیفه گفتند
بدست و پای تو زنجیر ظلمه بستند
الا ای دخت افغان

باقربانی وزندان رفتـــنت امروز
تو ثابت کدی که زنها هم آدم هستند
الا ای دخت افغان

بیا خواهر که دیرست و وطـــن در سوز
بـــگیر شمع جهادت و این شب بیافروز
الا ای دخت افغان

بـــرو بالا به سنگر های رزم و ایمان
به آسمـــان وطن ببرق ازچادرت دوز
الا ای دخت افغان

اگه زندانها پـــرگشته از وجودت
و یا در زیر بمبها سوخته هست وبودت
الا ای دخت افغان

بدان یك چیز دیرینه تو زنده کردی
کجا جنگ ملت پیروز بود گرنبودت
الا ای دخت افغان

به آهنگ :
" الا کل دانه دانه "

به فردای وطن زندان نمانه

گلوله ژاله ژاله ژاله
به فردای وطن زندان نمانه گلوله ژاله ژاله

* * *

جهان راگر دهندم مفت و ارزان
همه لذات عالم را فراوان گلوله ژاله ژاله

چوبینم زندگی درخدمت روس
بخوانم زنده بادا مرگ میدان گلوله ژاله ژاله

گلوله ژاله ژاله ژاله
به فردای وطن زندان نمانه گلوله ژاله ژاله

* * *

اگرچه زندگی رادوست دارم
اگر چه‌عاشق عشق و بهـارم گلوله ژاله ژاله

ولیکن شعر خونین درره خلق
بود تاواپسین دم هاشعارم گلوله ژاله ژاله

گلوله ژاله ژاله ژاله
به فردای وطن زندان نمانه گلوله ژاله ژاله

* * *

به من گفتند که اعدامم نمایند
به پولیگون سرانجامم نمایند گلوله ژاله ژاله

به خود بالیدم وتبریك گفتم
که ممکن نیست پس رامم نمایند گلوله ژاله ژاله

گلوله ژاله ژاله ژاله
به فردای وطن زندان نمانه گلوله ژاله ژاله

* * *

تمام شب شکنـــجه دیده‌ام من
به خون مستانه خوب رقصیده‌ام من گلوله ژاله ژاله

دارم ارمان سحر با بیقراری
زهر زخم تن خود پیچیده‌ام من گلوله ژاله ژاله

گلوله ژاله ژاله ژاله
به فردای وطن زندان نمانه گلوله ژاله ژاله

* * *

دو صد روز مگذشت از عمر کوتاه
میان کوته قلفی این سیاه چاه گلوله ژاله ژاله

ولی گر تا ابد اینجا بمانم
نخواهم ماند گام کج از آن راه گلوله ژاله ژاله

گلوله ژاله ژاله ژاله ژاله
به فردای وطن زندان نمانه گلوله ژاله ژاله

* * *

میا ای عید پای ماست دربند
مزن بر زخم های باز لبخند گلوله ژاله ژاله

رسد عید اسیران نیز روزی
که دیوار اسارت را بریزند گلوله ژاله ژاله

گلوله ژاله ژاله ژاله ژاله
به فردای وطن زندان نمانه گلوله ژاله ژاله

* * *

ورك به د روس نوم کو

ورك به دروس نوم کو زمونږ ملك باندی برغل کړی
اور بی په زړه اربل کړی
اور کی به بی وسوزو
روس به کو تباه دلته
فـوځ به بی تالا دلته
هـر څـه بی فنـا دلته
زمونږ غیرتی قوم دهر غلـیم سره داچـل کـړی
اوربی په زړه اربل کړی
اور کی به بی وسوزو
تـوری موتیری کـړی
روس نه موایری کـړی
پزی موپی پری کـړی
مونږ په قطبی خرس باندی په داشانی غوبل کـړی
اوربی په زړه اربل کړی
اورکی به بی وسوزو
ویـنه مو رگونو کـی
جوش مو دی په زړونو کی
اور مـو په سرونو کـی
مـونږ دانقـلاب دپاره څان داسی اکمل کړی
اور بی په زړه اربل کړی
اور کی به بی و سوزو

د " رۆ رۆ کړده قدموند "
په آهنګ

بم دی وروبنه روسان

بم بم بم دی وروبنه روسان
مونږ د وطن په لارکی هرڅه ایښی دی نه آسان

د مجاهد و روسه قسم دی
د مجاهد و روسه قسم دی
د غرو کمر به ستاپه سردوی وروبنه هـــرآن
بم بم بم دی وروبنه روسان ...

د دی ولس د توفانو مخ ته
د دی ولس د توفانو مخ ته
روسان خپلی کلاته له کاغذو جوړوینه دربان
بم بم بم دی وروبنه روسان ...

د دغه سترو سیلاب څپوله
د دغه سترو سیلاب څپوله
د تجاوز بیړی له ختو جوړویـــــنه روسان
بم بم بم دی وروبنه روسان ...

د دغه خلکو د هیـجان اور
د دغه خلکو د هیجـان اور
غلیم روسان بی کرملین کی کړی دینه لرزان
بم بم بم دی وروبنه روسان ...

سرودی از شاگردان مکتب وطن

وطندارا بخیزیم تا بجنگیم

برو دشمن تو ملکاره بسوزان
به شمشیرت خون خلقه بریزان
تمام مـلکه بندی خانه کردی
ز کندار و شـمالی تابدخشان

کـــلگی خـــلق وطن ای وطن آزاد میکنن
گور دشـــمنه کنده ای وطن آباد میکنن
کاریگر همدست دهقان شدمباتیرو تفنگ
هستـــی روس و حکومت همه بربادمی کنن

تمام کشت زار از کار ماسبز
تمام مملکت از زحمت آباد
تمام دشت ها از خون ماســـرخ
ولی ما در غم و دزدا همه شاد

مثل دریای پنجشیر خلق وطن میره به پیش
نه از توپ و تانکش میترسه نه از تیر و نیزیش
آخر ای زمینا مال خود دهقان شد نیست
نجیب جلاده گـــم میکنن با دارو دستهیش

وطندارا بخیزیم تا بجنگیـــم
تمام قدرت از دشمن بگیریـــم

بخون دشمن ای خاکه بشوئیـــم
درخت زندگی از نو بشانیـــــم

بیا بریم که افتوه از پشت کوه خبر کنیم
شو تاریك غمه سوخته و سحر بکنـــــیم
خرمن و حاصل کار خوده ازخود بکنیم
سر دشمناره آویزان به هرگذر کـنیم

د " او راځی بهار راځی "
پد آهنگ

مـــرچلـــی ځوانـــان

ورخیږی ډلی خیږی مرچل باندی ورخیږی
د روس په سر به اوس ماشر دوی جوړوینه

گوره قوه را غلی یاره
ورخیږی ډلی خیږی مرچل باندی ورخیږی
د سر مورچی ته ښه ځوانان ځان رسوینه
ورخیږی ډلی ...

گوره له ډلی روستی نشی
گـوندی په زړه به دی گولی زه و پیرمه

د روس مرچی باندی ورخیږی
چه هسکه غاړه په همزولو وگرځمه

گوره چونې اوس محاصره ده
دتسـلیمی لارته یـی پل جـــورشـــه مینه

که ته شهید شوی غم بی مکړه
په کـــلاکوف دی زه مـــرچل باندی ورځمه

د قربانی ځای

دغه ځای د قربانی دی (۲ ځل)
وطن مور مو بندیوانه د پردوده
رښتنو بچو بی گوره (۲ ځل)
خپله وینه تویه کړی په رودوده

ای وطنه ستاپه لاره
هر څمنه تیر ستا دپاره
سر می شه تانه ځار
تا نه ای دلداره-او
دغه ځای دقربانی دی (۲ ځل)

سر تر پایه زورو گرځم
سر او مال اور و گرځم
ستا غلیم سر ته زه
تیره لور و گرځم-او
دغه ځای د قربانی دی (۲ ځل)

د وطن د ښوونځی د زدکوونکو یوه سرود

ګډ توفان

ستا په دنګو غرونوکی
په دی و چودښتونوکی (۲ ځل)
داسی شوراو شرجك شو
لوی یوسورماشر جك شو

دا چه دومره وران دی دا افغانستان دی
زړه کی ګډ توفان دی دا افغانستان دی
دا افغانستان دی داچه دومره وران دی
دا افغانستان دی زړه کی ګډ توفان دی

ددی تورتم په تورزړه کی
سور لمر زیږیدلی دی (۲ ځل)
جګ دی دا یری نه اور
دا خاوره په ویډوسره (۲ ځل)

سور تنورپه شان دی دا افغانستان دی
پټ پکی غټ توان دی دا افغانستان دی
دا افغانستان دی سورتنور په شان دی
دا افغانستان دی پټ پکی غټ توان دی

ددی خلکو د متونه
ددی خلکو د تورونه (۲ ځل)

زیری دسبا رائـــــی
سور ستوری رنها رائـی (۲ ځل)

ورك کـــه روسان شی جوړ افغانستان شـی
بل نوی زمـــان شـی جوړ افغانستان شی
جوړ افغانستان شـی ورك که روســان شی
جوړ افغانستان شـی بل نوی زمـــان شی

به آهنگ :
" شاد کن جان من که غمگین است "

راه شهیـــــــدان

وطن از خون تان چه‌رنـگین است
شهیدان مرگ تان چه سنگین است
خون تـــان مـــژده سحـــر دارد
شـفق از رنگ آن چه‌خونین است
راه میهـن ز خون تان سرخ است
مـــا را این راه رفته آئین است
ترا تیـــــر عدو شهیـــــد کرده
دل ما بر ضـــــدش پر کین اســـت
راه تان رزم تان و عـــزم تان
ما را ایمان وعشق و هم دین است
بـخون تـــان کنیم قسم تجـدید
که راه ما تـــا به ابد این است

* * *

به آهنگ :
" بیا بریم به سنگران "

بیا بریم افغانستان

بیا بریم افغانستان روسهای خونخوارهموجس
اخوانی دشمـــن مـردم به سر دار هموجـس

وطندار جـــوانم تو بپاخیز
که صبر همه مردم شده لبریز
کنون آتش جنگ خاموش نمی شه
سلاح و خنجرت سازدم بدم تیز
بیابریم افغانستان ...

ده رامجنگ قربانی ضرور است
دل دشمن ز انسانیت بدور است
اگه یکدست و یکدل باشه مردم
ضد دشمن ده جنگ هر وخت زور است
بیابریم افغانستان ...

بجنگیم تا بگیریم قدرت از روس
بگیریم انتقام از روس منحوس
مگردر جنگ ما دشمن یکی نیست
ظلم اخوانی کم نیسته از هر روس

بیا بریم افغانستان روسهای خونخوار هموجس
اخوانی دشمن مردم بـــه ســـــردار هموجس

* * *

د " مړوند می ورو ورو ... "
په آهنګ

قســـــــم

وطنه ستاپه دی سرووینـــــو لو غړیدو می قسم
ستا په مغروروسردرومی قسم ستا په مغرورو
خـــود غلیـــــم پـــــه دی لښکرو زه بل اور نکړم
شپه بـــــه پـــــه کور نکـــــــړم ــ شپه به په کور

زه به وم نامرده که غلیم ته دی ټیټ وګورم
زه به بی غیرت وم که پرده باندی ونه شورم
دابه وی پستی چه زه وسله له لاسه پریږدمه
غاټی لکه تندر په دښمن بانـــدی ونـــــه ورم
څو دنیا والوته غلیم زه به مخ تور نکـــړم
شپه به په کور نکړم ــ شپـــــــه به پـــــه کور
وطنه ستا په دی سرو وینو لوغړ یدو می قسم....

مادځان په ګټه که شیبه لـــــه لاســـه ورکړله
مخ راباندی تور کړی بی ننګی می په لاس که کړله
هغه دی ویاړلی چه هستی لـــه خلکو زار کړینه
نورو مخامخ کی بی داخپله سینه سپر کړلـــه

څوچه پردی په خپله خاوره کی نسکور نکړم
شپه به په کورنکړم ــ شپه بـــه پـــه کـــــور
* * *

سرودی از شاگردان مکتب وطن

مـــــرغ آزادی

الالای مـــــرغ آزادی صـــــدایت را شوم قربان
بهایت سیل خون باشد بهایت را شوم قربان

* * *

نیفتادی زپاای پهلـــــــوان افغانستان من
تن خونین و دست بسته پایت را شوم قربان

* * *

هرات و بامیانت یا که نـــورستان و بلـــخت را
بگوای مادر میهن کجـــایـــت را شوم قربان

* * *

بگومادر ، بگودلبندهای بسته‌درزنجیرخصمت را
و یـــا شیران در سنگر رهایت را شوم قربان

* * *

قیامت و حشی دوران ماراپوزه پر خون کرد
ندایت شد قیام تو، ندایت را شوم قربـــان

* * *

د وطن د سوبخی د ردهکوونکو یوه سرود

د وطـــــــن لار

له وطنه که قـربـــان شم قربانی می ده منظوره
په دی لاره که ویران شم ویرانی می ده منظوره

وطن نه بهتـــــیرنشمکه بسمل غـــــوندی په وینو
ورپیږمه نیم ځان شـــــم نیم ځانی می دهمنظوره

اولادیم ددی خلکـــــو خپلواکی بی یم غوښتونکی
که په دی زه پهزندان شمزندانی می ده منظوره

ترزنګ بازویم بیزاره له خایـــن سرهمیونه شم
په نړی کی له دی خلکوځان ځانی می ده منظوره

* * *

به آهنگ :
" رومال می دوزم اکه جان "

چانتـــــه مـــی دوزم

چـــانته می دوزم چانته می دوزم
چانته می دوزم- اکه جان چانته میدوزم - اکەجان چانته می دوزم

چانتەی زیبا- با تار اعلی
بری مسافر سوی سنگر ها
به مرد جنگجو ده کوه و صحرا
به زن جنگجو ده کشور ما
چانتەمی‌دوزم - اکه جان چانتەمی‌دوزم

* * *

چانته ی خاکی، از تار نیلـــــون
باکلك زخمی، انگشـــــت پرخـــون
شوه نـــبینم ، روزه نـــفامـــم
ســـــربسر دوزم ، بی چراوچـــون
بی چراوچون - اکەجان چانتەمی دوزم ...

* * *

چانته ره گیـــرم، پرشورو سرشـــار
به پشتش بـــــندم، درراه کهســـار
"پیام زن" را ، میبفـرستـــــــــم
به خاك میهن ،کشور خونـــبـــار
کشور خونبار - اکه جان چانته ...

* * *

به سر سنگر، وقـــتی رســـــیده
بین چانته، مرمی کـــــشیده
قدر رنج مه ، قـــــدر نقش زن
ده جنگ دشمن ، یارم فـــامیـده
یارم فامیده ، اکه جان چانته ...

* * *

پس از این دیگر ، ده پشت جبهه
نمی مانم مه ، مه نه یك لحظـه
با یارجنگجو ، سنگر به سنگـر
می کنم پیکار ، لمحه به لمحـه
لمحه به لمحه ، اکه جان چانته ...

* * *

به آهنگ :
" ناروغه مد شی شاه لیلا "

خـــاك وطنـــم

سحر در دیدگانم از فراقـت
سیاه گشته چو شبهای درازت
خاك وطنم برسرم

دلم درهجرت عالم برایـــت
کباب گشته چوشهرها ودهاتت
خاك وطنم بر سرم
=

به دل ارمانهادارموطن جان
ترا خواهم به بهای دوجهان
خاك وطنم برسرم

سرم را گربخواهی دررہ خاك
به پاخیزم که بقربانت کنمجان
خاك وطنم برسرم
=

خیالم روز و شب راه تـو جوید
زبانم قصه از عشق تو گوید
خاك وطن برسرم

دلم خواهد ترا هر لحظه شاداب
دو چشمانم سحر مهر تو پوید
خاك وطنم بر سرم
=

به آهنگ :
" سخی جان میروی ما را دعا کن "

ای یـــــــار دلاور

به جبهه میروی سرخوش و شادم ای یار دلاور
به جبهه رفتنت کی میره یادم =
به جبهه میروی پشتت نبینـــــی =
به همرایت باشد شوروفریـــادم =

ای یـــار دلاور شیـــــــر میدان ای یار دلاور
به شمشیرت خـــــون روسه‌بریزان =

* * *

از جبهه آمـــــدی رویت ندیدم ای یار دلاور
دوباره ات فرســـــتادند شنیدم =
نه من دقم نه غمگین وپریشان =
از روحیه خوبت بخود بالیدم =

ای یـــــار دلاور شـــــیر میدان ای یار دلاور
بـــه‌شمشـــیرت خون روسه بریزان =

* * *

می بینم دشمنای ما بسیار اس ای یار دلاور
کنون وحدت مه با تو بکار اس =
اگه میگه مره دشمن ضعیفـــــه =
نمیفامه که جمع ما هوشیاراس =

ای یار دلاور شیـــــــــر میدان ای یار دلاور
به شمشیرت خون روسه بریـــزان =

* * *

ده کنارت برایم سنـــــگری ساز ای یار دلاور
تا جبهه زن درسنگرهاکنم باز =
پشت جبهه بشکســـــــته پروبالم =
همای رزم زن آریـــم ده پرواز =

ای یار دلاور شیـــــــر میدان ای یار دلاور
به شمشیرت خون روســـه بریزان =

* * *

تو رزمیدی و شهید شـــدی یارم ای یار دلاور
من نه اشکی ده سوگ تو ببارم =
مه تفنگت گیرم با دل پـــرکین =
ده خرمن دشمن آتش بـــــــکارم =

ای یار دلاور شیـــــــر مـیدان ای یار دلاور
به شمشیرت خون روسه بریـــزان =

* * *

پشت جبهه بشکسته پروبالـــــــم ای یار دلاور
تمام سنگر ها میپرسه حالـــــم =
نمیکنم به گپ دشمنـــــــامـــــه =
می جنگم تا بگیرم انتقامـــــم =

ای یار دلاور شیـــــــر میـــــدان ای یار دلاور
به شمشیرت خون روسه بریـــزان =

* * *

به فـردای آزادی سـر زمـینت ای یار دلاور
جشن و شادی بسازدبرهمینـــت =
همین فخر شهادت و پیکـــارت =
بر دلهای مـــردم یـاد حزینت =

ای یار مجاهد شیـــر مـــیدان ای یار دلاور
به شمشیرت خون روســه بریزان =

* * *

د " راشه بنګړی والی "
پد آهنګ

همـــت والـــی پیغلـــی

خوری وسله تـــه پـــه لاس واخـــله نـــه
وی په جګو غروکـــی دی مـــرچل تمه لرینه
راشه همت والی

د جنګ لښـکر بـــی تانـــــیمګړی وه
وی په نیمانی لښکر و څوك بری ته ځینه نه
راشه همت والی

ته دبابا د غـــرو شـــاهین یـــی وه
وی روسی تپوس په وینو سره کړه دښتی غرونه نه
راشه همت والی

سبځی پا څـــــیری تـــوفـانـــی دی وه
وی دنـــارینه و سره سم په روس ورځینه نه
راشه همت والی

د انقـــــلاب ســـره ودریـــــږی وه
وی د خپلواکی دولی سحر ته رسوینـــه
راشه همت والی

د خپلـــواکـــی جـــګړی په جنـګ کی وه
وی داسارت زنځیربه سم دوی ما توینه نه
راشه همت والی

به آهنگ :
" جانانه ککم خانه سر راه داری "

جـــانـــانـــه گـــکـــم

جانانه ککم سنگرده کوه ها داری
ده آتش جنگ چه شور و غوغا داری جانانه ککم
ده آتش جنگی که پرروس بسوخـــــت
فولادی وآبـــدیده چـــه پروا داری جانانه ککم

* * *

بم آمد و سوخت خانه و کاشانه تو
ســـــیل آمد و برد لانه ویرانه تو جانانه ککم
او روزی که ظلم از سر خود گم کنیـــم
آبـــاد شوه ملك وطـــن خانه تـــو جانانه ککم
جانانه ککم به غم گرفتار شـــدی
به زخم وطن چه خوب پرستار شـــدی جانانه ککم
با خون جگر زخم وطن جور کنـــــی
ده راه وطن به حق که بـــیدار شدی جانانه ککم

* * *

جانانه من چشم براهت هستنـــــد
ده سنگر داغ همه مجاهد هســـتنـــد جانانه ککم
روس ، دشمن خاك مازبون خوار شده
کوههای بلند یکسره شاهد هستنـــد جانانه ککم

د " جانان می تللی دی "
په آهنګ

جبهـــــه‌ای ځـــــوان

جبهی ته ځمه زه پـــه روس ورځمه زه
د غلیم کوربانـدی به اور ولګومه خانه
ای جبهی ته ځمه زه

دشازلمـــو های به دی تـــولی کـــی
د سر مورچی ته به ځان مخکی رسومه خانه
ای جبهی ته ځمـــه زه

د روســی کـــورهـــــای او ورانومه
د ولس سیـــل کی خپله وینه ګډومه خانه
ای جبهی ته ځمه زه

د خپـــل ولـــس هـــای وحـــــدت دپاره
زه د ځان غوښی بی قیمت نه نه ښـــندمه خانه
ای جبـــهی ته ځمه زه

ددی تـــوفـــان هـــای بـــری دپاره
د روس درمند ته اور سپرغی به زه ګرځمه خانه
ای جبهی ته ځمه زه

سرودی از شاگردان مکتب وطن

عسکـــــــر روس

این دیار پر صلابت خاك قبرستان تست
هر کجاگرنیك بینی سازگورستان تســـت

هرقدم درتارو پود این نـــمای آتشین
بازبان حال گویم آهنین زنـــدان تست

ازسکندرتافرنگ این خطه‌نافرمان بود
عاقلان فریاددارندداین نه‌جغدستان‌تست

شمع گشتی یاچنان در بزم‌عاشق مطربی
نیك پنداری صبااین عشق‌نافرجام تست

دره و دریا و آب وخاك ماگویند ترا
درجوار سنگ خارامرگ کوهستان تســـت

سرودی از شاگردان مکتب وطن

هدیه

به خون گرم خود جاوید خونین بال و پر کردی
بیادت هر دل غمدیده ای را پر شرر کردی

* * *

تو رفتی لیك یادت گوهر بزم رفیقان است
بنازم کین چنین بزم عزیزان پر گهر کردی

* * *

تنت گلزار و هر زخمی چو گل اندر نظر آید
عجایب گلستان از پیکر پاکت بدر کردی

* * *

مبارك باد این گلها که آثار بهاران است
تو از فصل بهاران این چنین ما را خبر کردی

* * *

در خت انتقام از خون پاکت پر ثمر گردد
که اندر راه آزادیِ مردم هدیه سر کردی

* * *

سرودی از شاگردان مکتب وطن

افغانستـــــان مـــن

افغانستان من تو چه خوش نام کـرده ای
قـــلب صفای من تو چه الهام گرفتـه ای

بازآیم من به سوی تو آرم پناه بـــه تو
صبح ها به جستجویت خوانم ثنا بـــه تو
خواجه صفای من تو چه ویران گشتـــه ای
کابل ماوای من تو چه الهام گشتـــه ای

شـــاد گشـــت پسرانت همه پیر و جوانـــت
آغـــوش بـــاز کـــن بگیـــر این دخترانت
افغانستان من تو چه خوش نـام کرده ای
نیروی سرخ برفت جهان حیران کـــرده ای

زیـــر تپـــه مـرنجان روسها کرده خانه
پـــر از تانـــك زخمی دشت های خیرخانه
پوستین دوزای من تو چه گمنام گشته ای
روس تجاوزگر تـــو چـــه بدنام گشته ای

وطـــن چـــه خوش خوانند سرود دخترانت
از خون ملـــت ســـرخ شده کوه و دامانت

به آهنگ :
" من لالئی آزادم "

خـــانـــه وفـــا

در پناه هر سنگی سنـــگری بپا ســازیم
تا ز چنگ اهریمن مملکت رها ســـازیـــم
یك صدا بپا خیزیم دست و دل در آویزیم
طرح نو برانگیزیم کهنه را فنا سازیـم

عـــاشقـــان مغروریـــم همرهان منصوریم
از برای آزادی جـــان و سر فدا سازیم
از خطوط رزم خود از شـــکوه عـــزم خود
بر صحیفه‌ی دوران عشق را بقا ســـازیم

از صـــلابت آهنیـــن از نبرد خارائیـــن
برج پایداری را جاویدان بنا ســـازیـم
کشـــور کهـــن سالـــم قبله گاه آمالم
خطـــه نجیبـــان را خـــانه ی وفا سازیم

دوه لاری

دوه لاری

یا غـلیم سره په جنګ شه یا ټپوس غوندی بی‌ننګ شه
یا وسله ته په لاس واخله یا غـیرت ځینی لاس واخله
یا وطن باندی قربان شه یا ذلـیله بی ایمان شه
یاهستی له خلکوځار کړه یا بی پته ژونداختیارکړه
واخله‌واخله‌یاره واخله‌په دابیه دخپل ځان
پت غیرت، ننګ و ایمان

یا شاهین شه په‌آسمان کی یا چنجی شه په‌ډیران کی
یاسرلوړی لکه غر شـه یا خپلو کی ابـتر شه
یا ته کلك شه له فـولادو یا خو سپك شه ته‌له‌بادو
خلك غر، شاهین فـولاد دی غلیمان یی تل بربـاددی
جوړکه جوړکه‌له‌ځان جوړکه په‌دابیه‌دخپل سر
ته شاهین ، فولاد او غر

سروده از شاگردان مکتب وطن

وطـــــــن

خوشـــــا ای خاك آب کوهســـــارت
خو شا هامون و دشت و مرغـزارت
بیـادم پیـچ و تـــاب سنبل آرد
ستیـــــغ کـوههای تـــــابـدارت

چرا اینگونه ویران گشته ای تو
همه یکسر بیابان گشته ای تـــو

وطـــن ای لاله زاران نو بهـارت
خوشـــا شر شر صـــدای آبشـــارت
چرا امروز دود و آتـــش آیـــد
زباغ و بـــوستـــان لاله زارت

ز دست که چنین افسرده گشتـی ؟
به بوستانت حریق آکنده گشتی ؟

وطن خواهم چو گردونت چراغـــان
چنان کز جوش او خندان و مستان
غریو و نعره شیر آید که برکند
بساط روبه و خوك از گلستـــان

دمیـــده خـــون خورشید در افقت
پریـــده رنـــگ شبـــرنگ از افقت

بیـــا ای که وطن را گفتی مادر
وطن را گشته آتش بر تـــن و پر
تکـــان ده آن تـــوانا بازوانت
وطـــن تا کی بود در خون شناور

ز عسکـــر تـــا به ارباب ستمگر
تو تخم دیدگـــان از سر بر آور

به آهنگ :
" آمده ای دیر یاد ... "

ســـــره د اور لمبـــه

سره داورلمبه ده دا ، مـړو ابرونه پاڅیده
روس به پکی سوزی اوس، سرواورونه پاڅیـــده
سره داور...

* * *

جوړ بـــــه دروس کورکی ، بیا بهبی نسکور کی
دا وطن به بی گورکی ، دی خاورونـــــه پاڅیده
سره د اور ...

* * *

روس بـــــه دربدره کی سخت به بی ابتره کی
مات به بی ککره کی ، غرو رغونه پاڅیـــــــــده
سره د اور ...

* * *

روس ډلی به گیری کی ، خاورو کی به بی خیری کی
سر تر پښو به بی خیری کی ، سرو زمرونه پاڅیده
سره داور ...

* * *

دغه اوربه ډیر شی ، روس نه به چاپیرشـــی
زړو نو نه به بی تیرشی ،داسی زړونه پاڅیده
سره د اور...

* * *

د " په جګو غږو باندی راتو شو توفانونه "
په آهنګ

د آزادی نښه

له غلیمانو ځینی تا وکړی توپکونه
ګولی وربږی ، مه بی پربږدی چه لاړ شی
وطن آزاد کړی

مینا د پیغلو سر لښکر وه
ځکه کابل کی پیغلو جوړ کړل قیامونه
وطن آزاد کړی ...

مینا وطن لار کی شهید شوه
زه بی په وینو آزادی ببرغ لیکمه
وطن آزاد کړی ...

د آزادی ببرغ رپیږی
تل د شهیدی مینا روح ژوندی کوینه
وطن آزاد کړی ...

مینا د ظلم ستوری مات کړل
ځکه بی پیغلی په مرچل کی یادوینه
وطن آزاد کړی ...

مینا سمبول د مقاومت وه
ځکه بی پیغلی په جلسو کی یادوینه
وطن آزاد کړی ...

د ملالی اولاد وینې شوی
د آسمایی په غرو ببرغ پورته کوینه
وطن آزاد کړی ...

د آزادی په پاکه لاره
مینا سرتیری ده خپل سر قربانوینه
وطن آزاد کړی ...

شهید عاشـــــق

به آهنگ :
" حسنت رباید آب و تاب "

راهت نماید راه ما در شـــــب تار ای قهرمان
سازد شراره انتقام دود و غبـــــار ای قهرمان

ای زرین تاج نام زن وی فـدایی ایـــن وطـــــن
از خون تو تاریخ زن گشته بـــــهار ای قهرمان

در کتیبه‌ی یاد دهر وندر ضمیـــر ایـــن زمیـن
چون مهرو ماه رخشد همی این افتخارای قهرمان

راهت بگیرم در هر گام و زخون تو هـم انتقام
سوزد ز طغیان رزمم خصم خوانخوار ای قهرمـان

این بذر ریخته از دستت نتواند کســـی بـدرود
سازیم زخون ها بارور این یادگار ای قهرمـان

ای شهیـــد لیـــلای وطن ، عاشـــق پاك این چمن
آموختیم ز تو جان چسان سازیم نثارای قهرمان

پیام زن زبان اکثریت زنان محروم میهن ماست .

پیام زن صدای رزم تمام زنان و مردان ما در راه استقلال ، دموکراسی و عدالت اجتماعی است .

پیام زن را بخوانید و حتی المقدور آنرا به اقارب و دوستان تان و هموطنان ما برسانید .

به پیام زن انتقاد و پیشنهاد کنید .

برای پیام زن خبر ، گزارش ، مقاله ، شعر ، عکس ، کاریکاتور و هر گونه مطلب دیگر درباره زنان و مبارزه شان و یا در باره سایر مسایل مربوط به آزادی مردم ما بفرستید .

برای پیام زن کمک مالی جمع آوری کنید .

آدرس بانکی

Mrs. Hafez
A/c No. 6931-1
Habib Bank Ltd.
Frere Street Branch
Saddar-Karachi
Pakistan

آدرس مکاتباتی :

RAWA
P. O. Box 374
Quetta
Pakistan

Printed at Sigma Press, Rawalpindi. Ph. 552805, 74821

A Collection of Patriotic Songs and Poems

(AUGUST 1989)

Revolutionary Association of the Women of Afghanistan
RAWA, P.O. BOX 374, QUETTA, PAKISTAN.

قیمت ۱۰ روپیه